روزنامه شرق

هنر

مذاکره با کوبا، تنها ابتکار عمل اوباما بود — صفحه ۱۰

نگاهی به تأثیر عادی‌سازی روابط واشنگتن-هاوانا بر زندگی مردم کوبا — صفحه ۱۰

با هیچ سناریویی «کوربین» برنده انتخابات نیست — صفحه ۱۲

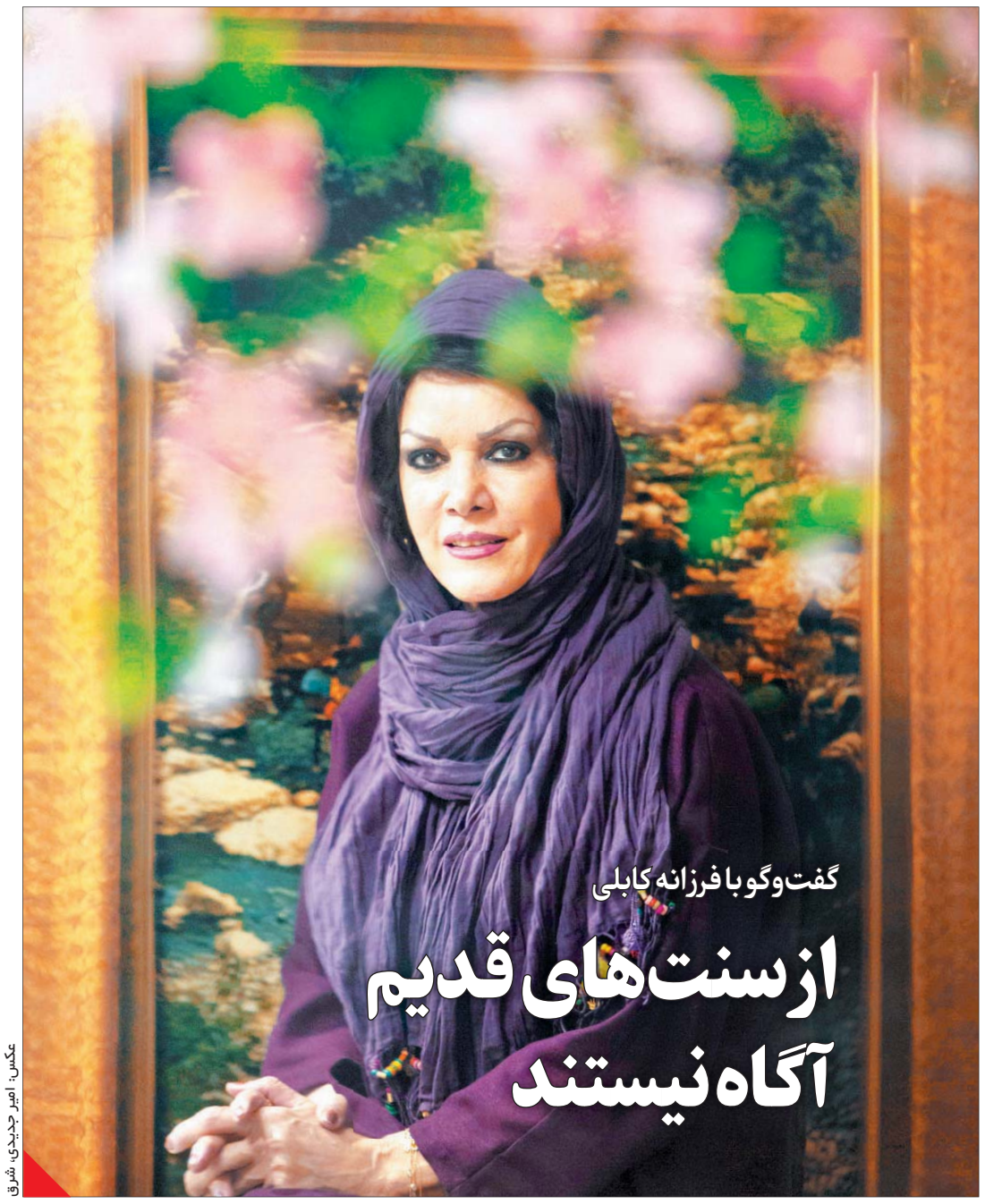

عکس: امیر جدیدی، شرق

گفت‌وگو با فرزانه کابلی

از سنت‌های قدیم آگاه نیستند

سمیرامیس محمدی: فرزانه کابلی را در طول چهار دهه گذشته با طراحی نمایشگاه ویژه بانوان می‌شناسیم؛ بازیگری که همواره به شناخت و پژوهش در مورد حرکات، لباس، موسیقی و سازهای سنتی و فولکلور ایرانی توجه نشان داده و سعی کرده در آثار مختلف گوشه‌ای از فرهنگ و هنر ایران را به نمایش بگذارد. او سال پیش نمایش «همه‌جای ایران سرای من است» را به نویسندگی هادی مرزبان، پس از چهارماه تمرین، چهار شب در تالار وحدت، ویژه بانوان اجرا کرد؛ نمایشی که ابتدا قرار بود تنها دو اجرا داشته باشد. اما با استقبال تماشاگران به چهار اجرا افزایش پیدا کرد. کابلی به پشتوانه توجه تماشاگران و شناخت و علاقه‌ای که به حرکات و هنر فولکلور ایران دارد، از دی‌ماه سال گذشته درخواست اجرای مجدد این نمایش را برای سال ۹۴ داد و بالاخره پس از دو ماه تأخیر در مردادماه چهار شب نمایش «همه‌جای ایران سرای من است۲» را اجرا کرد؛ نمایشی که ابتدا نامش «پایکوبان» بود اما بعد، به «همه‌جای ایران سرای من است ۲» تغییر کرد. به گفت‌وگویی با این طراح و کارگردان پرداختیم.

اجرای امسال این نمایش نسبت به سال گذشته تغییرات زیادی داشت.

بله. این نمایش اصلا اجرای سال گذشته ما نبود. فقط یکی، دوتا از حرکت‌های نمایشی محلی با اجرای سال گذشته مشابه بود. به همین خاطر اسم آن را «همه‌جای ایران سرای من است ۲» گذاشتیم.

البته این عنوان مشابه، تماشاگران سال گذشته این اثر را مجددا با اثر همراه می‌کرد.

بله. البته اگر همان اسم «پایکوبان» هم بود باز هم مخاطبان می‌آمدند چون چنین برنامه‌هایی مخاطبان خاص خود را همیشه دارد. خوشحالم که بتوانم هرسال این برنامه را ویژه خانم‌ها به صحنه ببرم و هنر فولکلور این مملکت را از نظر لباس، موسیقی، سازهای مختلف و حرکات متنوعی که در مناطق گوناگون این مملکت که من همیشه به آن افتخار می‌کنم، را روی صحنه نشان دهم و به تماشاگران بگویم این سرزمین گیلان، مازندران و ... است. من آن‌قدر به این مناطق اشراف دارم و در مورد آن مطالعه داشته‌ام که هرکدام از شهرها و استان‌ها را سرزمین می‌نامم.

در اجرای این اثر از حرکاتی برای مناطق مختلف ایران استفاده می‌کردید که تماشاگر شناخت کمی از آنها دارد و به نظر حرکات خیلی متفاوتی نسبت به آنچه ما تاکنون دیده‌ایم می‌آمد.

سعی می‌کنم همیشه حرکات مختلف مناطق ایران را به مخاطب نشان دهم. زیرا مخاطب با این حرکات و نوع موسیقی و سازها بسیار بیگانه است. سعی کردم این حرکات را به شکل درستش، مطابق آنچه که در حال اجرا در همان منطقه در گذشته و حال بوده است نشان دهم. این خیلی مهم است. این باعث تفاوت در حرکات این گروه با سایر گروه‌های نمایشی می‌شود.

معمولا حرکات مناطق مختلف را به‌صورت خلاصه روی صحنه اجرا می‌کنید.

بله سعی دارم گوشه‌ای از آن حرکات و فرهنگ را به مخاطب نشان دهم. چون اگر بخواهم همه آن چیزهایی که در این شهرها اتفاق می‌افتد را روی صحنه نشان دهم، یک روز زمان هم برای اجرای نمایش کم است و تماشاگر مجبور می‌شود ساعت‌ها برای دیدن این آثار وقت بگذارد.

در این اجرا از حرکات خزر تا کرانه‌های خلیج‌فارس، مازندران، خراسان، آذربایجان، کهگیلویه‌وبویراحمد، کردستان، خوزستان تا بنادر خلیج‌فارس استفاده کردید.

سعی کردم از گیلان و مازندران، خراسان و همه مناطق استفاده کنم. البته منظورم از خراسان، بجنورد، تربت‌جام، خواف و بیرجند است. این شهرها با وجود اینکه بسیار به‌هم نزدیک هستند اما از نظر حرکت، لباس، موسیقی و رنگ، دنیادنیا با هم فاصله دارند و این وسعت و پهناوری این مملکت را نشان می‌دهد. اینها هیچ شباهتی به‌هم ندارند درحالی‌که همه آنها در یک استان هستند. چکیده‌ای از حرکات شهرهای مختلف را که در خراسان است به تماشاگر معرفی کردم ولی تنها از لباس مردم بجنورد استفاده کردم.

در فینال اجرا، حرکات کُردی داشتید که با استقبال زیادی از سوی مخاطبان روبه‌رو شد. بعضی از دختران با تن‌پوش مردانه روی صحنه آمدند. البته در بخش حرکات‌نمایشی آذری نیز تمام دختران تن‌پوش مردانه به تن داشتند.

حرکت‌های نمایشی کردستان بسیار پرهیجان بود البته ما سال گذشته نیز این حرکات را داشتیم که مخاطبان استقبال کردند. در این اجرا دختران را با تن‌پوش پسرانه به صورت یکی‌درمیان دختر و پسر روی صحنه آوردم که بسیار برای تماشاگر جذاب بود. زیرا نگاهش یکنواخت جلو نمی‌رفت. در بخش کهگیلویه‌وبویراحمد نیز ما حرکتی داشتیم که لباس‌های بی‌نظیری داشت. در قسمت نور از خانم اکبری خواستم روی این کار خاص، نور رنگی تنظیم نکند. زیرا آن‌قدر این لباس‌ها رنگ دارد و زیباست که در نور سفید زیبایی‌اش بیشتر نشان داده می‌شود. اما در بخش حرکات آذری نیز بازیگران با تن‌پوش مردانه وارد شدند چون این حرکت مردانه است. با پوشاندن لباس مردانه به بازیگران زن سعی داشتم گریزی بزنم و تماشاگر احساس کند اینها مرد هستند. چون ما این شرایط را نداشتیم که آقایان و خانم‌ها با هم اجرا داشته باشند.

در بخش حرکات خوزستان از موسیقی غربی نیز برای نمایش حرکت‌های کولی‌ها استفاده کرده بودید؟

در بخش خوزستان از حرکت کولی‌های خوزستان استفاده کردم و نخواستم با موسیقی خود کولی‌ها این بخش اجرا شود چون قبلا آن را در ایران، آلمان و ایتالیا اجرا کرده بودم. در این بخش از موسیقی فرنگی و با الهام از حرکات کلاسیک باله در حرکت کولی‌ها استفاده کردم. اما بیشتر حرکات، حرکات خود کولی‌های محلی خوزستان بود.

در مناطق مختلف به تلفیق حرکات و موسیقی می‌پرداختید و حرکات برخی از مناطق نیز با اجرای سال گذشته شما متفاوت بود؟

چون سال گذشته در حرکات نمایشی خراسان از حرکت چوب خراسان استفاده کردم. اما امسال حرکات‌نمایشی تمام آن مناطق خراسان را داشتم و منحصر به حرکت‌نمایشی چوب نشدم. در بخش حرکات نمایشی آذری نیز، امسال سه قسمت از آن را داشتیم که به شکلی متفاوت از سال گذشته در طول نمایش اجرا شد.

طبق توضیحاتی که پیش از شروع هر بخش روی صحنه به تماشاگران می‌دادید، گویا از نمایش‌های روحوضی نیز الهاماتی برای این اجرا گرفته بودید؟

بله از عناصر نمایش‌های روحوضی استفاده کردم. چون مردم شناخت کمی نسبت به این نوع نمایش‌ها دارند. می‌خواستم متوجه شوند که اصلا روحوضی یعنی چه؟ پیش از شروع هر بخش روی صحنه برای تماشاگر توضیحاتی در مورد حرکات می‌دادم تا نسبت به آنچه که می‌بیند اطلاعاتی داشته باشد. البته بهانه‌ای هم بود تا بچه‌ها تعویض لباس کنند. اما در بخش حرکات روحوضی از فرم لباس، حرکات و سیاه نمایش‌های روحوضی بهره گرفتم. البته سیاه نمایش ما صورتش سیاه نبود چون این نمایش برداشتی از نمایش‌های روحوضی بود. مثلا در نمایش روحوضی که معمولا در مراسم‌های عروسی اجرا می‌شد، شخصی با داشتن دو استکان کمباریک در دست می‌حرکتید که این شکل از حرکت توسط یکی از بازیگران ما اجرا شد.

در بخش حرکات بندری از حرکات متفاوتی نسبت به آنچه ما تاکنون از بندرعباس و بوشهر دیدیم استفاده و اجرا شد. چرا؟

بله امسال از حرکات بندرعباس و بوشهر استفاده نکردم زیرا همه از حرکات نمایشی بندری همان را می‌دانند و می‌بینند. به سراغ بندر گناوه، که حرکاتش بسیار متفاوت با بندرعباس و سایر بنادر است، رفتم. در یک حرکت شانه، مشابه هم هستند اما لباس‌هایشان بسیار زیبا و متفاوت است. البته لباس‌های بندرهای دیگر هم زیبایی خودش را دارد اما لباس بندر گناوه واقعا خاص بود و می‌دانستم کسی با این فرم لباس آشنا نیست. به‌خصوص که در این بندر خانم‌ها از برقع در لباس‌هایشان استفاده می‌کنند.

با توجه به اینکه طراحی لباس این اثر را نیز خود شما برعهده داشتید، برای تهیه لباس‌های مناطق مختلف که تغییرات محسوسی نسبت به هم دارند، چه‌کار کردید؟

بسیاری از لباس‌های مناطق مختلف را من از قبل تهیه کرده و داشتم. اما در ایام نوروز به بندرعباس و از آنجا به میناب سفر کردم تا برقع‌های بازیگران را از دست‌فروش‌های محلی آنجا خریداری کنم، چون هیچ‌جای دیگری این نوع از برقع وجود نداشت. برای تهیه دستمال‌های بخش کهگیلویه‌وبویراحمد نیز به بازار بزرگ شیراز رفتم چون در اجرای سال گذشته دستمال‌های بچه‌ها مناسب نبود و این دستمال تنها در بازار شیراز وجود داشت.

برای تهیه روسری‌های بخش گیلان نیز مدت‌ها به دوستان مختلف سفارش دادم تا در انتها از روی عکس، طرح یک روسری را انتخاب کردم تا یک آقای محلی ریشه‌های آن را ببافد. دیگر لباس‌های سنتی و محلی حتی در خود این مناطق نیز کمتر پیدا می‌شود چون مردم از چیزهای سنتی استفاده نمی‌کنند، اغلب چیزها از چین می‌آید! مثل جانم از این لباس‌ها مراقبت می‌کنم، تا سالم بمانند.

یکی از بخش‌های جالب در اجرای امسال این اثر، بخش سماع بود که حرکاتی نسبتا متفاوت از آنچه که تاکنون ما از حرکت سماع در قونیه دیدیم در آن اجرا می‌شد، در بخشی، بازیگران با دردست‌داشتن ساز تنبور وارد می‌شدند. چرا این حرکات متفاوت بود؟

امسال بچه‌ها دو حرکت سماع داشتند. دوست دارم که بچه‌ها هرسال حرکت سماع را داشته باشند زیرا تماشاگران علاقه‌مند زیادی دارد. در اجرای سال گذشته نوع دیگری از این حرکت را اجرا کردیم و امسال دو نوع متفاوت داشتیم که در بخشی، بازیگران با المانی از تنبور وارد می‌شدند و فضای صحنه پر از بخار می‌شد. اما دلیل تفاوت به‌خاطر این است که در سماع در قونیه فقط نیم‌ساعت بازیگران می‌چرخند این در حالی است که در مناطق خوزستان، کردستان و خراسان ما سماع‌هایی وجود دارد که حرکات شناخته‌نشده‌ای دارند البته حرکت چرخ هم در آن وجود دارد. در این اجرا سعی داشتم از حرکات شناخته‌نشده و بکر خود استان‌های ایران استفاده کنم؛ حرکاتی که درویش‌ها در مراسم‌های مذهبی خود اجرا می‌کنند و بیشتر این حرکت‌ها برای سیستان‌وبلوچستان بود.

متأسفانه گروه‌هایی در تالار وحدت روی صحنه می‌روند که اصلا نباید در این فضا اجرا داشته باشند. صحنه این تالار بسیار باارزش است و یکی از صحنه‌های مهم در خاورمیانه است. اما گروه‌هایی در این تالار روی صحنه می‌روند که حرکات و طراحی لباس و موسیقی درستی ندارند اما جالب است که از طرف هیچ‌کس نیز بازخواست نمی‌شوند! به تماشای اغلب این آثار می‌روم و سردرد می‌گیرم

استقبال از اجرای این نمایش زیاد بود. چرا مانند سال گذشته آن را تمدید نکردید؟

پرکردن سالن تالار وحدت با ظرفیت ۸۰۰ نفر کمی دشوار است. در ابتدا نمی‌دانستیم که استقبال تا این حد است. در ادامه هم درخواست تمدید را ندادم چون من ابتدا اردیبهشت‌ماه قرار بود که اجرا داشته باشم اما به دلیل پربودن سالن، اجرای ما دو ماه به تعویق افتاد و می‌دانستم سالن پر است.

چرا برای اجرای این اثر از موسیقی زنده استفاده نکردید؟

دلم می‌خواست موسیقی زنده اجرا شود اما نشد. به همین خاطر از موسیقی فولکلور و سنتی و با الهاماتی از موسیقی غربی به شکل تلفیقی در اجرا استفاده کردم.

برای اجرای نمایش «همه‌جای ایران سرای من است ۲» چندماه تمرین داشتید؟ این ۲۵ نفر بازیگر باید در فرصت کمی حاضر و برای اجرای بخش دیگر روی صحنه می‌آمدند.

تمامی بازیگران این نمایش در طول سال پیش من به کلاس حرکت می‌آیند و بدن‌های آماده‌ای دارند فقط کافی است که برای اجرا با هم هماهنگ شوند. از ۱۰ خرداد تمرینات را شروع کردیم. برخی روزها هفت‌ساعت تمرین می‌کردیم. در تمرین بسیار سختگیر عمل می‌کنم تا کار روی صحنه یکدست و بی‌نظیر باشد. مدام به بخش‌های مختلف می‌رفتم تا نفس بازیگران تقویت شود چون می‌دانستم برای تعویض لباس پنج‌دقیقه بیشتر فرصت ندارند و نباید تماشاگر احساس کند که بازیگران از اجرا خسته شده‌اند.

در مبحث پژوهش برای نوع حرکات و موسیقی و لباس مناطق با وجود اینکه خود شما در این سال‌ها اشراف و آگاهی زیادی با تحقیق میدانی پیدا کردید، احیانا از منبعی استفاده کردید؟

متأسفانه ما در این مملکت کتاب، جزوه و هیچ‌چیزی نداریم که بتواند ما را راهنمایی کند. البته در کردستان و خراسان فیلم‌هایی از حرکت‌ها وجود دارد. اما من با استفاده از آموخته‌هایی که در این سال‌ها از معلم‌های گوناگون دارم و به همه این مناطق سفر کرده‌ام، آموخته‌های ذهنی دارم که به شاگردانم نیز آموزش می‌دهم و آنها هم به شاگردانشان آموزش می‌دهند و اینها سینه‌به‌سینه در حال نقل‌شدن است. حرکات، موسیقی، لباس و رنگ سرمایه مملکت است و نباید از بین برود. در هر بخش این نکات مهم را به تماشاگران نیز توضیح می‌دادم، اگر هرروز ۱۰ نفر هم متوجه این توضیحات شده باشند و از سالن بیرون بروند، من به مقصودم رسیده‌ام.

چرا این تحقیقات میدانی و آموخته‌هایتان را مکتوب نمی‌کنید تا ماندگارتر شود؟

همه می‌گویند که بنویسم. آن‌قدر تحقیق و یافته در این زمینه دارم که بیش از دو کتاب می‌شود. مشغله‌ام زیاد است. هادی مرزبان، همسرم، همیشه می‌گوید؛ اینها را ضبط کن تا من روی کاغذ برایت بیاورم. حتما این کار را انجام می‌دهم.

این نمایش ویژه بانوان اجرا می‌شود. با وجود این ممیزی خاصی روی کار شما اعمال شد؟

نه خوشبختانه. در اجرای سال گذشته بازبین‌ها می‌گفتند که باید یک شخصی که آگاهی بالاتری از خانم کابلی در این زمینه دارند کار ایشان را ببینند. امسال نیز با وجود اینکه بازبین‌ها تغییر کردند، دو کارگردان و یک بازیگر به بازبینی کار ما آمدند و گفتند این کار برایشان جنبه آموزشی نیز داشته است.

چون خیلی از افراد از سنت‌های قدیم ایران و دلیل برخی از حرکات آگاه نیستند، چون کسی به آن نمی‌پردازد. بازبین‌ها این کار را هنر می‌دیدند. تنها از جانب مرکز هنرهای نمایشی از من خواستند تا بچه‌ها در بخش حرکت سماع که حالت روحانی داشت و بازیگران باید موهایشان باز بود، شال روی سرشان ببندازم. که شال انداختیم اما به دلیل حرکت‌های فراوان این بخش گاهی شال‌ها می‌افتاد روی شانه بازیگران. در سایر بخش‌ها نیز لباس‌های محلی ما کاملا پوشیده است و من برای بازیگران از سربندهای پولک‌دار استفاده می‌کردم.

اجرای چنین نمایش‌هایی سال‌ها پیش از جشنواره «آمین» آغاز شد و بعد تنها ویژه خانم‌ها اجرا شد. اجرای هرساله این اثر را ادامه می‌دهید؟

سعی می‌کنم هرسال این‌کار را بکنم. اگر هم این امکان فراهم نشود معمولا در کارهای هادی مرزبان از طراحی حرکت استفاده می‌کنم. البته در جایی که لازم باشد. به خاطر دارم گاهی هادی می‌گوید؛ اینجا از حرکت استفاده کنیم و ... . اگر لازم نباشد من پاسخ منفی می‌دهم و می‌گویم اصلا نیاز به حرکت نیست. حرکت را به شکل درست و صحیح آن نشان می‌دهم.

امروزه گروه‌های مختلفی به‌عنوان حرکت و موسیقی محلی در تالار وحدت اجرا دارند، به دیدن این نمایش‌ها می‌روید؟

متأسفانه گروه‌هایی در تالار وحدت روی صحنه می‌روند که اصلا نباید در این فضا اجرا داشته باشند. صحنه این تالار بسیار باارزش است و یکی از صحنه‌های مهم در خاورمیانه است. اما گروه‌هایی در این تالار روی صحنه می‌روند که حرکات و طراحی لباس و موسیقی درستی ندارند اما جالب است که از طرف هیچ‌کس نیز بازخواست نمی‌شوند! به تماشای اغلب این آثار می‌روم و سردرد می‌گیرم. یک حرکت از خراسان در نمایشی که می‌گویند خراسانی است شما نمی‌بینید! به شعور من تماشاگر توهین می‌شود. من در این رشته تخصص دارم و متوجه می‌شوم که حرکات آنها هیچ ربطی به عناوینی که روی آن می‌گذارند، ندارد. از جانب تالار وحدت به من پیشنهاد دادند که بازبین شوم اما قبول نکردم. گفتم اگر من بازبین شوم، نمی‌گذارم هیچ‌کس که روی صحنه برود. چون اجراهایشان غلط است باید کارها با وسواس برای اجرا در این سالن انتخاب شوند.

بازبین‌ها و شورای ارزشیابی نیز آگاهی درستی در این رشته ندارند...

بله. بازبین‌ها از بازبینی کار من امتناع می‌کنند چون خجالت می‌کشند این کار را بازبینی کنند. می‌گویند این نمایش فاخر است.

استقبال زیادی در دو سال گذشته از این اجرا شد. این نمایش را در دیگر شهرها یا خارج از ایران نیز اجرا می‌کنید؟

راستش از گروه ما بیشتر برای اجرا در خارج از ایران دعوت می‌شود. در شهرستان‌ها و شهرهای دیگر محدودیت بیشتر از تهران است. آرزو دارم در شهرستان‌ها و مناطقی که این فولکلورها متعلق به آنهاست اجرا داشته باشم. البته مردم مناطق دیگر دوست دارند اما درخواست اجرا باید از جانب مسئولان این مناطق باشد که نیست! در مورد اجرای خارج از ایران این نمایش نیز صحبت‌هایی شده که در حال مذاکره هستیم.

آقای مرزبان این روزها قرار است تمرینات دو نمایش را آغاز کنند که محتوای یکی در مورد «شمس و مولانا» است. در این نمایش نیز طراحی حرکت دارید؟

بله در هردو طراحی حرکت دارم. یکی از کارها قرآنی است و صحنه جهنم را با حرکت در آن نشان می‌دهم و فرشتگان را نیز تنها با حرکات ظریف اجرا می‌کنم. اما در نمایش دیگر هادی که در مورد شمس و مولاناست، دستم بازتر است و از حرکات سماع و چرخش استفاده می‌کنم.

پلاتو

در واکنش به تکثیر غیرمجاز

عوامل «دندون‌طلا» اطلاعیه دادند

شرق: عوامل مجموعه شبکه خانگی «دندون‌طلا» در راستای مبارزه با قاچاق آثار سینمایی و شبکه خانگی اطلاعیه‌ای منتشر کردند. به دلیل اینکه با پخش مجموعه «دندون‌طلا» مواردی از تکثیر و توزیع غیرقانونی و قاچاق این مجموعه شبکه خانگی در سطح شهر تهران و سایر شهرستان‌ها مشاهده شده است، عوامل این مجموعه اقدام به انتشار اطلاعیه‌ای در راستای مقابله با کپی غیرمجاز آثار سینمایی و شبکه خانگی کردند.

در متن این اطلاعیه که در قالب یک فایل تصویری منتشر شده است، عوامل مجموعه «دندون‌طلا» از همراهان و علاقه‌مندان این سریال خواسته‌اند تا برای مقابله با این حرکت غیرفرهنگی و کپی غیرمجاز مجموعه «دندون‌طلا»، عوامل این مجموعه را همراهی کنند و درصورت مشاهده فروش قاچاق مجموعه، آدرس محل موردنظر را به صفحه اینستاگرام اثر به آدرس @dandountala اعلام کنند تا با متخلفانی که به فرهنگ و هنر ایران عزیز ضربه وارد می‌کنند، برخورد شود. «دندون‌طلا» مجموعه‌ای در شبکه نمایش خانگی است که ۱۵ سال پیش به‌صورت تئاتر روی صحنه تئاترشهر رفته و با استقبال بسیاری مواجه شده بود.

توزیع این مجموعه ۱۰ قسمتی از ۱۲ مردادماه آغاز شده و تاکنون دو قسمت از آن وارد بازار شده است. قسمت‌های بعدی این مجموعه نیز هر ۱۰ روز یک‌بار به‌صورت مدون وارد شبکه نمایش خانگی خواهد شد.

کارگردانی این سریال نیز همچون تئاترش برعهده داوود میرباقری و تهیه‌کننده آن مهران برومند است.

فردین خلعتبری ساخت موسیقی و هنگامه مفید، شاعر و نویسنده پیش‌کسوت و برجسته، نیز ترانه‌سرایی مینی‌سریال «دندون‌طلا» را برعهده دارند.

طراحی و اجرای تبلیغات مجموعه «دندون‌طلا» توسط آژانس تبلیغاتی «۳۶۰ درجه راهکارهای خلاق» انجام شده است.

در خلاصه داستان «دندون‌طلا» آمده است: «نیر، دختری مهاجر، با پدری علیل ساکن حلبی‌آبادهای حاشیه شهر تهران و مشغول دوره‌گردی و دست‌فروشی است. او با پاسبانی به جرم سدمعبرکردن درگیر شده و پا به فرار می‌گذارد و به قهوه‌خانه‌ای پناه می‌برد که پاتوق عده‌ای از لات‌ولوت‌های شهر است، صاحب قهوه‌خانه که شخصی است به نام قنبردیزل (ملقب به «دندون‌طلا») به نیر پناه می‌دهد. قنبر از شجاعت و پاکدامنی و زحمتکشی نیر خوشش می‌آید و نیر نیز از جوانمردی و حق‌طلبی او. این آشنایی منجر به عشقی آتشین شده که فرجامش بارداری نیر است. قهوه‌چی بعد از آنکه عشقش فروکش کرده است، پشیمان شده و منکر بچه می‌شود... نیر وقتی با طینت ناپاک قنبر مواجه می‌شود، تصمیم هولناکی می‌گیرد. او قصد دارد به کمک بچه‌ای که در شکم دارد، از قهوه‌چی انتقام بگیرد». «دندون‌طلا» ۳۰ تیرماه طی مراسمی در خانه همایش و با حضور عوامل سریال و بسیاری از اهالی سینما و رسانه رونمایی شد.

تماشا خانه

نگاهی به نمایش جیجک علی‌شاه

طنز تلخی که آرام آرام بر تماشاگر اثر می‌کند

بهزاد صدیقی

جیجک علی‌شاه یا اوضاع دربار قاجار، نمایش‌نامه‌ای است که ضمن سرگرم‌کردن مخاطب، تصویری از اوضاع سیاسی - اجتماعی دربار قاجار می‌دهد. ذبیح بهروز، نویسنده این نمایش‌نامه، مسائلی از وضعیت حکومت زمان قاجاریه را نشان می‌دهد. اینکه حاکمان بی‌خبر از اوضاع جامعه بودند و به خواسته‌های مردم توجهی نمی‌کردند و... در اغلب حکومت حاکمان آن دوره دیده می‌شد. او با زبان طنز و هجو، تصویری پیش‌روی مخاطب قرار می‌دهد که جامعه و دولت گاه در مقابل هم قرار می‌گیرند و گاه از همدیگر چنان دور می‌شوند که یکی دیگری را به سخره می‌گیرد؛ فارغ از آنکه هریک در خفا نظر به رأی خویش دارد و می‌کوشد با هر ترفند و شکلی، اوضاع را به میل و سود خود درآورد و به‌ظاهر، کاری کند کارستان. نمایش‌نامه جیجک علی‌شاه اکنون دست‌مایه کارگردان و گروه اجرائی این اثر شده تا مخاطب نیز ضمن آشنایی با یکی از متون کلاسیک ادبیات نمایشی ایرانی، شاهد وضعیتی از اجتماع گذشته خود باشد که البته گرچه شوخ‌وشنگ به‌نظر می‌رسد، اما از مطلع‌شدن رابطه حاکمان و مردم در دوره‌های گذشته متأسف می‌شود و پس از آن نیز تلخی طنز آرام‌آرام بر او اثر می‌کند و مانند نیشتری بر جسم و جان او می‌نشیند. در اجرای این نمایش، کارگردان می‌کوشد بیشتر بر عنصر بازی بازیگران تکیه کند و عناصر صحنه مانند نور و طراحی صحنه در ساده‌ترین و حداقل‌ترین شکل ممکن به نمایش درآید البته این بیشتر نه برحسب توجه به کمینه‌گرایی صحنه، بلکه برحسب مشکلات اقتصادی گروه برای فراهم‌آوردن اسباب و امکانات صحنه است. شاید اگر در طراحی صحنه یا در طراحی نور به فرم‌های بصری و زیبایی‌شناسی خطوط نور و چیدمان اشیا و اسباب صحنه دقت نظر بیشتری صورت

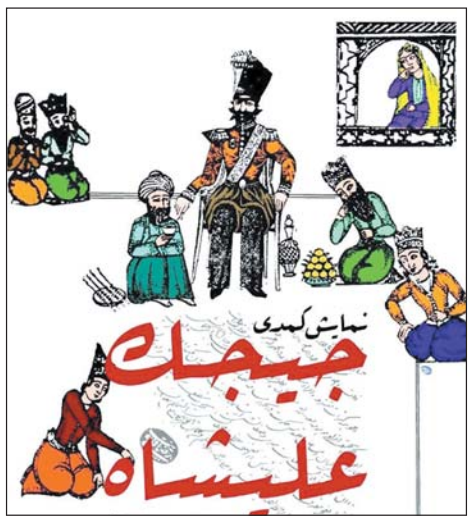

می‌گرفت و از نشانه‌های تصویری استفاده می‌شد، مخاطب تصویرهای بدیع‌تری را در نمایش تجربه می‌کرد. این نمایش با همه قوت و ضعف‌هایش به دلیل بازی‌های نسبتا یکدست و تسلط بازیگران بر نقش‌هایشان، توانسته هم با تماشاگران ارتباط خوبی برقرار کند و هم داستان نمایش‌نامه به‌درستی به تماشاگران منتقل شود. امینی پس از تجربه چند کارگردانی و نمایش‌نامه‌نویسی، اکنون اجرائی را پیش‌روی مخاطبان قرار داده که نشان می‌دهد هم دل‌مشغول نمایش ایرانی است و هم متون کلاسیک ادبیات نمایشی ایرانی ظرفیت این را دارد که در دوره معاصر بازآفرینی شود؛ بازآفرینی‌ای که البته توقع می‌رود با نگاه امروزی آمیخته شود، هرچند کارگردان تلاش کرده در برگردان این اثر، نگاه امروزین داشته، اما ظاهرا به سبب شرایطی که در پیش‌روی او قرار داشته، در این تجربه دست به عصا حرکت کرده است. از سوی دیگر، شاید اجرای چنین نمایش‌نامه‌هایی راه‌رفتن بر لبه تیغ است و طبیعتا با دشواری‌های خاص خود همراه است.

اما یکی از ویژگی‌های این نمایش ریتم مناسب اجراست که بیشتر با بازی بازیگران و حرکت‌بندی آنان و حجم و میزان دیالوگ‌ها به دست آمده است. اینکه توجه به این عناصر در تمرین و اجرا چقدر از پیش تعیین‌شده و از پیش اندیشیده‌شده است، یا چقدر قراردادی و ناخواسته بوده، یا چه میزان ناشی از خود متن بوده، پاسخ‌گویی به آن به کارگردان برمی‌گردد. هرچند ریتم درونی اثر نمایشی ابتدا به متن وابسته است و سپس به اجرا؛ ولی اساسا ذات نمایش کمدی سنتی ایرانی نیز از ریتم نسبتا تندی برخوردار است به‌نحوی که با تحلیل مناسب کارگردان از متن و تمهیدات اجرائی نمایش از سوی او و درک درست بازیگران از بازی در چنین نقش‌ها و نمایشی می‌تواند منجر به رسیدن به این نوع ریتم تأثیرگذار شود؛ ریتمی که تا به انتها می‌تواند تماشاگر را سرپا نگه دارد و او مجذوب نمایش شود و این البته به نوع قصه نمایش‌نامه هم ارتباط دارد. به هرحال، دیدن نمایش جیجک علی‌شاه به کارگردانی رحمت امینی در تالار سنگلج که همواره دغدغه نمایش‌نامه ایرانی و نمایش‌نامه‌نویسی داشته و دارد، فرصتی است در این روزها که نسل جدید تماشاگران می‌توانند از آن استفاده کنند که هم با یک نمایش‌نامه ایرانی آشنا شوند و هم به قول کارگردان ببینند «مردمی که در حدود صد سال پیش به چیزهایی می‌خندیدند، حالا به همان چیزها - بلکه بیشتر- می‌خندند!».